

افزایش تبلیغات گسترده گروه‌های پان ترکیسم در جذب نخبگان آذری

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :

دکتر حمید احمدی

مجموعه مقالات همایش تاریخی و ادبی فراق - به اهتمام موسسه فرهنگی آران
تبلیغات گسترده گروه‌های پان ترکیسم و برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای وابسته در جهت ترغیب و تشویق جوانان آذری زبان کشور به ادامه تحصیل در دانشگاه‌های کشور ترکیه، به منظور تحصیل در دانشگاه‌های آن کشور افزایش چشمگیری داشته است.
این در حالی است که برخی از دانشگاه‌های کشور ترکیه در اقدامی هماهنگ با ارائه برخی خدمات ویژه از جمله تخفیف در اخذ شهریه تحصیلی اقدام به جذب جوانان آذری زبان ایران می‌کنند.

گفتنی است در راستای تبلیغات برای جذب جوانان آذری زبان، شبکه‌های ماهواره‌ای وابسته به جریان‌های قوم‌گرا از جمله GONAZ TV (گوناز تی وی) جمهوری آذربایجان، در جهت اغفال و ترغیب جوانان برای عزیمت به کشور ترکیه تحت عنوان ادامه تحصیل نقش بسزایی داشته‌اند.

بسیاری از مهاجران جوان ایرانی که برای تحصیل به این کشور رفته‌اند در مشاغل حساس فنی و تحقیقاتی ترکیه مشغول به کار شده‌اند که به نظر می‌رسد باید اقدامی سریع برای جلوگیری از مهاجرات نخبگان ایرانی به کشورهای همسایه انجام داد.
او فارس است، شما کرد هستید، ایشان بلوچ‌اند، من آذربایجانی‌ام؛ هر یک به کاری مشغولیم، هر یک ایده و اندیشه‌ای داریم، هر یک در پی آرمانی هستیم؛ هیچ فرقی نمی‌کند. همه ایرانی هستیم و پانترکیسم دشمن همه‌ی ماست. طاعونی که سالها پیش سرازیر شده و ایران و ایرانیت را تهدید می‌کند. پس اگر مقاله زیر را در (تالشان) می‌بینید تعجب نکنید که افشاکاری و مبارزه علیه آن جریان شوم و وظیفه‌عاجل همه‌ی ماست.

در مورد وظایف و برنامه‌های پانترکیست‌ها در دوران جدید پس از جنگ سرد و استقلال کشورهای آسیای میانه و قفقاز، بحث‌های زیادی در محافل پان ترکیستی در داخل ترکیه، در جمهوری آذربایجان و خارج از این مناطق صورت گرفته است. اما هیچکدام از این بحث‌ها به اندازه پیشنهادات صبری بدرالدین برای پان ترکیست‌ها جذابیت نداشته است. می‌توان پس از ضیاءگوک آلپ، بدرالدین را مهمترین ایدئولوگ جریان پان ترکیستی دانست. او در یکی از مقالات بسیار مهم خود که در برگزیده استراتژی پان ترکیست‌ها برای دستیابی به وحدت ترکیه، قفقاز، مناطقی از ایران، افغانستان و کلیه جمهوری‌های آسیای میانه و بخش‌های شرقی چین است، ضمن نگاهی به گذشته پان ترکیسم، می‌گوید که تا سال 1991 (فروپاشی شوروی)، پان ترکیسم تنها به عنوان یک ایدئولوژی وجود داشت اما پس از آن، اقدام‌های عملی برای آغاز مرحله نهادی جنبش پان ترکیسم آغاز شد.
تشکیل «مجمع خلق‌های ترک» (TPA) با شرکت کشورهای ترک زبان ترکیه، قفقاز، کشورهای آسیای میانه و گروه‌های ترک زبان سایر کشورها، نخستین گام در این جهت بود. این مجمع جلساتی را هر سال در پایتخت‌های کشورهای مذکور تشکیل داد، در آن مسایل جهان ترک به بحث گذاشته می‌شود. خلاصه استراتژی آینده‌ی پانترکیسم، آنگونه که توسط بدرالدین مطرح شده است، به شرح زیر است:

از آن جا که کشورهای دارای اقلیت‌های عمده ترک زبان در روسیه، چین، ایران، بلغارستان، یونان و افغانستان، نسبت به هر گونه حرکت در رابطه با وحدت ترک‌های جهان حساس هستند و آن را در مورد تمامیت ارضی خود نوعی اقدام دشمنانه تلقی می‌کنند، پانترکیست‌ها باید بسیار محتاط عمل کنند، تا دشمنی این کشورها و نیز جهان عرب را برنیا نگیرند. بدرالدین یک شیوه تدریجی را براساس آنچه که او «اصل ختنه» (Principle of circumcision) می‌خواند توصیه کرده و کاربرد آن را مدنظر قرار می‌دهد. به نظر او در دوران قبل از ختنه، کودک را با اسباب بازی و شکلات و شیرینی سرگرم می‌کنند تا موعد مقرر فرا رسد و ضربه ناگهانی در اوج بی‌خبری کودک وارد شود. در این لحظه اجتناب ناپذیر، گریه کردن و مقاومت بیهوده است چون در واقع کار از کار گذشته است. 1 وی یک استراتژی سه مرحله‌ای را برای رسیدن به آنچه که ایجاد «فدراسیون ترک‌ها» می‌خواند پیشنهاد می‌کنند:

1- در مرحله نخست پانترکیست‌ها بر ایجاد روابط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان ترک‌ها تاکید می‌کنند.
2- در مرحله دوم استحکام سیاسی در اولویت قرار خواهد گرفت، اما این استحکام سیاسی به شش کشور مستقل ترک روسیه سابق محدود خواهد بود.
3- مرحله سوم زمانی است (که) حرکت این کشورها به رهبری جنبش پانترکیستی، برای آزاد سازی خلق‌های ترک و اتحاد سیاسی آنها از قید استعمار در روسیه (تاتارها، یاقوت‌ها و ...) چین (اویغورها)، ایران (آذربایجانیها)، و غیره، آغاز خواهد شد. بدرالدین به دلیل حساس بودن دنیای غرب، روسیه و کشورهای منطقه به اقدامات ترکیه، تاکید میکند در عین اینکه ترکیه یک نقش محوری و رهبری کننده را در جریان پانترکی به عهده دارد اما در مراحل اولیه ادغام و اتحاد ترک‌ها، باید با احتیاط تنها بر جنبه فرهنگی رهبری ترکیه تاکید کرد. به سوی اجرای استراتژی «ختنه»:

گام‌های عملی ترکیه و پانترکیست‌ها گرچه نمیتوان سند دقیقی برای اثبات ارتباط گروه‌های پان ترکیستی ترکیه با پیشنهادات استراتژیک بدرالدین به دست داد اما بررسی اقدامات عملی دولت ترکیه در سالهای دهه 1990 و اوایل قرن 21 به خوبی نشان میدهد که این گام‌های عملی در واقع چیزی جز گام‌های تدریجی پانترکیسم به سوی فراهم ساختن شرایط برای رسیدن لحظه موعود، یعنی لحظه ختنه (چه در رابطه با جمهوری‌های ششگانه آسیای میانه و قفقاز و چه کشورهای دارای گروه‌های ترک‌زبان) نمیتواند باشد. در واقع باید گفت که «فرصتهای طلایی» (از نظر خود پانترکیست‌ها) فراهم شده است. سقوط شوروی بار دیگر پس از گذشت 70 سال از سقوط دولت ترک‌های جوان و فروپاشی عثمانی، دولت ترکیه را به وسواس انداخته و آنها را همانند رهبران ثلاثه ترک‌های جوان به تبدیل پانترکیسم به استراتژی و ایدئولوژی رسمی سیاست خارجی خود واداشته است. در جریان ده سال گذشته، دولت ترکیه گام‌های زیر را به عنوان گام‌های آغازین مرحله نخست استراتژی نوین پانترکیسم برداشته است:

1- تشکیل مجمع خلق‌های ترک (TPA) متشکل از ترکیه، جمهوری آذربایجان، پنج جمهوری آسیای میانه و گروه‌های پانترکیست کشورهای غیر ترک دارای گروه‌های ترک زبان. این مجمع هر ساله جلساتی را که به اجلاس «سران ترک» معروف است و تاکنون هشت اجلاس آن در پایتخت‌های مختلف منطقه برپا شده است، تشکیل داده است. در این اجلاس‌های سران و نمایندگان گروه‌های پانترکیست، مسایل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای ترک تبار مورد بحث و

بررسی و چارهایابی قرار می گیرد. 3

2- تلاش برای ترویج فرهنگ، زبان و سیستم سیاسی ترکیه در جمهوریهای فوقالذکر از طریق کمک به نشریات پانترکی، چاپ کتابها و نشریات ترکی با استفاده از حروف لاتین (به جای حروف عربی - فارسی) و ترکی استانبولی، از جمله چاپ کتابهای آموزشی در مدارس و حتی چاپ کتابها و نشریات اسلامی به ترکی استانبولی و حروف لاتین. تاسیس مدارس در سطوح مختلف از ابتدایی تا تاسیس موسسات آموزشی عالی در این جمهوریها و تدریس ترکی استانبولی و تاریخ رسمی مورد نظر پانترکیستها بخش دیگری از اقدامات دولت ترکیه است. دولت ترکیه و موسسات غیر دولتی پانترکیست تاکنون چندین دانشگاه، و صدها دبیرستان و دبستان در سراسر جمهوریها تاسیس کرده و به آنها کمک مالی میدهند. 4

3- کمک به تاسیس شبکه های رادیویی و تلویزیونی و پخش برنامه های هنری، تاریخی، سیاسی مورد نظر ترکیه، چه از طریق کانالهای رسمی تلویزیون خود ترکیه و چه از طریق کانال هایی که برای جمهوری های فوق به کمک متخصصان فنی و کارشناسان هنری، ادبی، تاریخی و سیاسی پانترکیست وابسته به ترکیه ساخته میشود. ترکیه از طریق این پوشش وسیع ماهوارهای به ترویج زبان، فرهنگ، شیوه زندگی و سیستم سیاسی مورد نظر خود در این جمهوریها می پردازد. 5

4- تاسیس مدارس مذهبی به شیوه مدارس امام خطیب ترکیه در این جمهوریها و چاپ کتب مذهبی، نظیر قرآن و سایر کتابها به منظور جلوگیری از فعالیتهای مذهبی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی. علاوه بر دولت ترکیه، موسسات غیر دولتی، به ویژه موسسات اخوت اسلامی (طریقت) نیز در این رابطه فعال هستند. یکی از فعالترین این موسسات غیر دولتی، هیاتهای مذهبی وابسته به فتحاله گوس هستند که صدها مدرسه مذهبی در این جمهوریها تاسیس کرده و به ترویج زبان و فرهنگ ترکیه دست میزنند. 7

5- اعطای بورسیه های تحصیلی گسترده، به دانشجویان این جمهوریها و نیز به دانشجویان ترک زبان کشورهای منطقه، برای تحصیل در دانشگاهها و موسسات آموزشی عالی ترکیه. ترکیه هر ساله هزاران بورسیه به این کشورها و گروهها واگذار میکند، و در جریان اقامت آنها در ترکیه، علاوه بر آموزش زبان ترکی استانبولی، ایدئولوژی پانترکیسم طی برنامه های آموزشی ویژه به آنها ارائه می شود تا پس از بازگشت به کشورهای خود، به عنوان فرستادگان و فعالان جریان ترکی و رواج فرهنگ، زبان و ارزشهای سیاسی و اجتماعی ترکیه به عنوان رهبر نهضت پانترکی عمل کنند. 8

6- تلاش برای بازسازی اقتصادهای ویران شده جمهوریهای ششگانه سابق روسیه، از طریق فعالیتهای شرکتهای تجاری، اقتصادی، دولتی و غیر دولتی ترکیه در زمینه های گوناگون فنی، تولیدی، صنایع تجاری، راهسازی و انواع قالب های اقتصادی دولت ترکیه و شرکتهای وابسته به آن یا شرکتهای غیر دولتی ترکیه که در طول ده سال پس از فروپاشی شوروی صدها قرارداد گوناگون در این زمینهها با دولتهای آسیای میانه و جمهوری آذربایجان بسته اند. 9

7- اعطای وامهای گوناگون به دولتهای جمهوریهای ششگانه فوقالذکر برای بازسازی اقتصادی و پیشبرد توسعه اقتصادی و فرهنگی این جمهوریها. این وامها گاه از طریق خود ترکیه و شرکتهای ترک و گاه نیز با وساطت ترکیه، از طریق کشورهای اروپایی، اسرائیل و آمریکا به این جمهوریها واگذار میشود. 10

8- اتحاد و ائتلاف با کشورهای غربی و غیر مسلمان به منظور افزایش توانمندی خود برای فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی در آسیای میانه و قفقاز و مهمتر از آن مقابله با نفوذ کشورهای رقیب نظیر ایران که زمینههای خوبی برای فعالیتهای مقابل و خنثی کردن تلاشهای پانترکیستی ترکیه دارند. ترکیه گاه از طریق ائتلاف با آمریکا و اسرائیل (پیمان استراتژیک 1994 ترکیه - اسرائیل) و انجام پروژههای مشترک اقتصادی و صنعتی در آسیای میانه و قفقاز، به اعمال فشار علیه ایران و سایر کشورهای منطقه پرداخته است. دست پنهان جریان پانترکیستی در ورای مخالفت های آمریکا به مشارکت ایران در کنسرسیوم نفتی قفقاز، و عبور لوله های انتقال نفت آسیای میانه از ایران را نباید از نظر دور داشت. علاوه بر این، ترکیه و جریان پانترکیستی از قدرت مالی و سیاسی و نظامی این کشورها به ویژه (آمریکا و اسرائیل) به خوبی استفاده کرده و از طریق بستن پروژه های مشترک در زمینه های فوق، از توان مالی، نفوذ سیاسی، قدرت نظامی و دانش فنی این کشورها در راه اجرای استراتژی پانترکی خود بهره برداری کرده است. 11

پانترکیسم و ایران :

همانگونه که در بخشهای پیشین اشاره شد، ایدئولوژی پانترکیسم از همان آغاز همیشه نگاهی نیز به ایران داشته است. نظریه پردازان پانترکیسم/ پانترانیسم، که خود اساساً از نوشته های شرقشناسان اروپایی متحد انگلستان (که در گرما گرم بازی بزرگ یعنی رقابت امپریالیستی میان روسیه و انگلستان، بر سر آسیای میانه، ایران، افغانستان و هند، طرح دامن زدن به احساسات قومی ترک گرایانه در محورهای جنوبی روسیه را علیه این امپراتوری ارائه دادند) الهام میگرفتند، بخشهای شمالی ایران، شامل آذربایجان، گیلان و شمال خراسان را بخشی از امپراتوری آرمانی آینده ترکیه می پنداشتند، و در این رابطه نوشته هایی را در نشریات پانترکی استانبول انتشار می دادند. در 12 سالهای دهه 20 - 1910 تعداد اینگونه نوشته ها پیرامون آذربایجان ایران افزایش یافت و نویسندگان آن براساس استدلال هایی که بیشتر از ماهیت احساسات غیر عقلایی شدید نژاد پرستانه و تخیلی برخوردار بود، و نمونه های آن در هیچ یک از نوشته های معتبر تاریخی غربی (چه در عهد باستان و چه در قرون بعد)، اسلامی و ایرانی به چشم نمیخورد. این نوشتهها، بر ریشه های ترکی - و نه ایرانی بودن - آذربایجان اصرار میورزیدند و آن را جزئی از توران آینده می دانستند. ضیاء گوک آلپ در استراتژی سه مرحلهای پانترکیسم، که پیش از این به آن اشاره یافت، آذربایجان ایران و بخشهای شمال غربی و شمال شرقی ایران را بخشی از «دوغوزستان» موعود بر میشمرد که با پیوستن به ترکیه و قفقاز یک دولت بزرگ ترک تشکیل خواهند داد. 13

محافل پانترکیست دولت عثمانی و جمهوری ترک بعدی، چه در اقدامات عملی و چه در نشریات گوناگون خود، آذربایجان ایران را بخشی از منطقه تبلیغاتی و عملیات خود جهت ترویج پانترکیسم در نظر میگرفتند. سازمان پر قدرت مخفی تحت نظر انورپاشا (تشکیلات مخصوصه) که اندکی قبل از آغاز جنگ جهانی اول به منظور فراهم ساختن زمینه ترویج پانترکیسم و الحاق مناطق شمال غرب ایران، قفقاز، شمال شرق ایران و افغانستان و آسیای میانه تشکیل شده بود، واحدهای تبلیغی و عملیاتی متعددی را به ایران اعزام کرد. 14 که در شهرهای تبریز و تهران مستقر شده بودند. گروههای عملیاتی و تبلیغی فوق در طول دوران اشغال آذربایجان از سوی عثمانی پس از انقلاب اکتبر 1917 روسیه، برای تبلیغ و سازماندهی هسته های پانترکی در تبریز تلاش کردند، اما مخالفت شدید ایران دوستان تبریز، به ویژه شیخ محمد خیابانی و احمد کسروی، تلاشهای آنها را خنثی کرد. سقوط امپراتوری عثمانی و از میان رفتن رهبران ثلاثه پانترک (انور، طلعت و جهان) باعث توقف موضع گیریهای مداخلهجویان محافل پانترکیستی و جمهوری نوین ترکیه نسبت به ایران نشد. در این رابطه میتوان اقدامات سازمان «ترک اجاقی» و رهبران روشی بیک اشاره کرد که در کنفرانس 1923 استانبول، آذربایجان ایران را بخشی از جهان ترک دانست و خواستار پیوستن آذربایجانها به جمهوری ترکیه شد. 14 سازمان ترک «اجاقی» در سالهای دهه 1930 نیز در راستای تبلیغات گسترده خود پیرامون برتری نژاد ترک بر سایر نژادهای جهان، مطالب عمدهای را علیه ایران انتشار داد. این نوع احساسات و ادعاها را میتوان بیش از همه در نوشته های رشید صفوت یکی از مورخین و نظریه پردازان سازمان مذکور پیدا کرد. 15 در اوایل سالهای دهه 1940، گروههای پانترکیستی که از سوی سفارت آلمان در استانبول و خارج از ترکیه حمایت میشدند، به عملیات خود علیه ایران افزودند در جریان تلاش محرمانه نمایندگان گروههای پانترکیست با ماموران اطلاعاتی آلمان نازی در برلین، پانترکیستها در صدد برآمدند که نظر آلمانها را به آذربایجان ایران جلب کنند. براساس اسناد محرمانه آلمان نازی، نوری پاشا برادر انورپاشای معروف، در جریان یک ملاقات با نمایندگان نازی در جبهه شرقی در 1941 (پیش از هجوم آلمان به شوروی) پیشنهاد ایجاد جمهوریهای ترک در آذربایجان ایران و شمال عراق را که متحدان ترکیه خواهند شد، به نازیها ارائه داد. 16 در طول سالهای 44 - 1941 که فعالترین دوران تحریک پانترکیستهای «ترکیه» بود، فشارهای زیادی برای حمایت ترکیه از راه اندازی حرکتی پانترکی در ایران صورت گرفت. محافل پانترکیست بخشی از تلاشهای خود را بر دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در استانبول و آنکارا و گرایش دادن آنها به فعالیتهای پانترکیستی متمرکز ساختند. (برخی از فعالان بعدی پانترکیستهای فرهنگی و سیاسی

ایرانی نظیر جواد هیات و حمید نطقی - که پس از انقلاب اسلامی نشریه وارلیق را به زبان ترکی و فارسی، اما با محتوی پانترکیسم فرهنگی منتشر کردند، در این سالها به دعوت دوات ترکیه در استانبول به تحصیل مشغول بودند). 17 در همین دوره، یعنی 1942 بود که یکی از اولین کتابهای پانترکیستی پیرامون آذربایجان ایران توسط شخصی به نام صنعان آذر (نام مستعار) با استفاده از تبلیغات تاریخی محافل پانترکیستی سالهای قبل درباره ایران نوشته شد. 18 در همین دوره یکی از نویسندگان پانترکیست ترکیه (صلاحالدین ارتوک) در کتاب خود کمک به « برادران ترک در ایران» را برای کسب استقلال خود، به عنوان نخستین، گام به سوی وحدت در « توران بزرگ» پیشنهاد کرد. 19 بعد از جنگ جهانی نیز مبلغان، روزنامه نگاران و نویسندگان پانترکیست ترکیه، نظیر جلالالدین یوسل احمد جعفر اوغلو و یوسف آزمون و فاروق سومر مطالبی مشابهی را که بیشتر رنگ و بوی احساسی شدید همراه با پرخاشگری داشت و از تخیل پردازیهایی ذهنی سرچشمه می گرفت تا منابع تاریخی معتبر، درباره آذربایجان ایران مینوشتند. نشریات پانترکیستی چون ارتوکن با طرح شعار « همه ترکها یک ارتش هستند» خواستار تقویت نیروهای مسلح ترکیه و آماده سازی آن برای رهاسازی « ترکهای ایران» شدند. 20 با تاسیس حزب پانترکیستی اقدام ناسیونالیست به رهبری آلپ ارسلان تورکش، که خواستار کمک ترکیه به هسته های پانترکی جهان برای آماده سازی مقدمات تشکیل « توران بزرگ» بود، تبلیغات پانترکی علیه ایران شدت بیشتری پیدا کرد. نشریات حزب مذکور و نشریات بعدی در دهه 1970 (پس از انقلاب اسلامی ایران) نظیر « چاغری» به طرح مطالب نژادپرستانه و چاپ گزارشات اغراق گونه درباره جمعیت « ترکهای ایران»، خواستار رهاسازی آنها از به اصطلاح « ستم فارسها» شدند. 21 در سالهای دهه 1980 که موج اسلامگرایی ترکیه را نیز در برگفت، تبلیغات ضد ایرانی حزب « اقدام ناسیونالیست» علیه ایران شدت گرفت و پانترکیستهایی نظیر فاروق سومر و محرم ارگین به تلاش برای جذب عناصر ایرانی اهل استان آذربایجان و تبدیل ساختن آنها به مهره های فعال پانترکیست تلاش کردند. 22 از اوایل دهه 1980 تعدادی از عناصر چپگرایی افراطی آذربایجان ایران به ترکیه رفتند و نزد این پانترکیستها به فراگیری آموزه های رمانتیک پانترکی مشغول شدند تا بعدها به ترویج آنها در ایران دست بزنند. در سالهای دهه 1990، به ویژه پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، تعدادی از عناصر با سابقه پانترکیست متعلق به فرقه دمکرات آذربایجان، که پس از انقلاب اسلامی وارد ایران شده بودند به محافل سابق الذکر پیوستند تا در لحظه مناسب به کمک عناصر مارکسیست پانترکیست ایران (به ویژه چهره های فعال مسئول نشریه وارلیق) آمده و فعالیت های سیاسی و سازمانی خود را در ایران آغاز کنند. باز شدن فضای سیاسی ایران در 1376 و جنگ قدرت میان نیروهای چپ و راست (موسوم به اصلاح طلبان و محافظه کاران) جمهوری اسلامی، فرصت مناسبی دست داد تا عناصر گوناگون پانترکیست ایرانی (حلقه های باکو و استانبول) و هسته های فعال چپ و راست (در اروپا و آمریکا) با حمایت های مالی و سیاسی ترکیه و جمهوری آذربایجان، به انتشار نشریات گوناگون محلی در استانهای آذربایجان ایران بپردازند و ضمن تبلیغات گسترده پانترکی به سازماندهی هسته های فعال در سطوح گوناگون (به ویژه در سطح دانشگاهها) دست بزنند. استقلال منطقه مسلماننشین قفقاز معروف به جمهوری آذربایجان نقطه عطف بسیار مهمی در سیاستهای پانترکیستی، به ویژه در رابطه با ایران محسوب میشود. به این خاطر از اوایل دهه 1990 به بعد دوره جدید و مهمی از تبلیغات، تلاشها و سازماندهیها در رابطه آذربایجان ایران شروع شد که در آن شعار « آذربایجان واحد» و هدایت تلاشهای پانترکی جهت دامن زدن به احساسات ترکی و طرح تضاد و کشمکش قومی میان « ترک و فارس» به عهده جمهوری آذربایجان و عناصر افراطی پانترکی آن گذاشته شد. بررسی نقش محوری باکو در این زمینه ضروری است. جمهوری آذربایجان: کارگزار پروژه پانترکیسم ضد ایرانی همانگونه که در بالا گفته شد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این فرصت را فراهم ساخت تا پروژه پانترکیسم ضد ایرانی، یعنی برنامه ریزی گام به گام برای رواج ایدئولوژی و جریان پانترکیستی در مناطق ترک زبان ایران و زمینسازی اجرای استراتژی « ختنه» مورد نظر طراحان نوین پانترکیسم به اجرا درآید. وظیفه این طرح ریزی عملیاتی و اجرای آن به عهده جمهوری آذربایجان گذاشته شده و نخبگان و محافل پانترکیست و به طور غیر مستقیم دولت باکو، به کارگزاران دولت ترکیه جریان پانترکی / پان توراتی آن تبدیل شده اند.

در واقع این پدیده چندان بیسابقه هم نبوده است. نقش کارگزاری در همان دوره اولیه پانترکیسم، یعنی دوران فعالیت های گروه سیاسی، تبلیغاتی و نظامی تشکیلات پانترکی سالهای دهه 20 - 1910 تحت رهبری ترکهای جوان، نیز به عهده نخبگان باکو گذاشته شده بود و بخش عمده های از جریان پانترکیستی ضد ایرانی از آن منطقه علیه ایران سازماندهی و هدایت میشد. به واقع نخبگان ماجراجوی باکو در طول قرن بیستم نقش کارگزاری را برای یک دولت خارجی در ایران بازی میکردند. در سالهای 1930 - 1910 کارگزار دولت عثمانی، در سالهای 1990 - 1920 کارگزار برنامه های توسعه جویانه مسکو و از 1991 به بعد بار دیگر کارگزار استراتژی نوین پانترکیستی آنکارا. نگاهی کوتاه به سیر تحول این جریان، نکتهها را بیشتر روشن میسازد. اصولا جریان پانترکیسم در منطقه نشین و سرزمینهای سابق ایران در قفقاز از همان سالهای آغازین قرن بیستم و همزمان با گسترش این ایدئولوژی در امپراطوری عثمانی، پیدا شد.

برخی از فعالان پانترکیسم نظیر حسینزاده و احمد آقا اوغلو از اهالی قفقاز بودند که در سالهای دهه 20 - 1900 در استانبول بسر میبردند در زمره برجسته ترین شخصیت های محافل پانترکی محسوب میشدند. 24 بعدها محمد امین رسولزاده نیز به آنها پیوست، و همین گروهها بنیانگذار حزب (مساوات) شدند که در واقع از سالهای 1917 به بعد گرایشهای پانترکی خود را به شدت آشکار ساخت. این حزب تحت حمایت شدید مالی، نظامی و سیاسی رژیم ترکهای جوان در عثمانی قرار داشت و از برنامه بلندپرواز پانترکیستی رهبران عثمانی در راه برپایی یک امپراتوری گسترده ترک زبان (توران) پیروی می کرد.

در واقع باید بر این نکته انگشت گذاشت که اقدام حزب مساوات در سال 1918 برای گزینش نام « آذربایجان» برای منطقه مسلمان نشین قفقاز (اران و آلبانیای تاریخی) یک اقدام حساب شده و سنجیده در راستای برنامه های آینده پانترکیستی ترکهای جوان بود. رهبران حزب مساوات به کارگزاری از سوی رهبران ترکهای جوان با گزینش این نام برای منطقه اران، آرزو داشتند تا در آینده بحث وحدت مناطق شمال رود ارس را با آذربایجان واقعی در ایران مطرح کنند و با دامن زدن به احساسات ترک گرایانه ضد ایرانی، زمینه الحاق آذربایجان ایران به امپراتوری ترک را فراهم سازند. گرچه این نکته تاکنون به طور گسترده در پژوهشهای ایرانی بررسی نشده است، اما حضور نیروهای نظامی ارتش عثمانی در قفقاز، و حضور عناصر برجسته پانترکیست در آن منطقه را که تحت حمایت نظامی عثمانی قرار داشتند، می توان دلیلی بر این مدعا دانست.

در آن روزگار برخی از نخبگان تیزبین ایرانی، نظیر شیخ محمد خیابانی و احمد کسروی در تبریز به خوبی به این انگیزه های پانترکی پی برده، و به آن اعتراض کردند. در پی همین اعتراضات بود، که نیروهای پانترکیست که به همراه ارتش عثمانی آذربایجان را در اشغال داشتند به تبعید شیخ محمد خیابانی از ایران به قفقاز دست زدند. 25 شیخ در راستای مقابله با همین برنامه های گسترش طلبانه و الحاقگرایانه پانترکیستی، نام آذربایجان را به «آزادستان» تغییر داد تا مانع برنا مه های فوق شود. 26 در همان زمان، در تهران نیز روشنفکران و نویسندگان ایرانی واکنشهای شدیدی بر این اقدام پانترکیستی مساواتی / عثمانی نشان دادند که، در نشریات آن دور ایران بازتاب یافت. 27 گرچه سقوط دولت ترکهای جوان و نابودی رهبران پانترکیست آن از یک سو، و سقوط رژیم مساواتی به دست کمونیستها از سوی دیگر به این برنامه ها و رویاها پایان داد اما اندیشه پانترکیستی در پوشش مارکسیسم - لنینیسم در منطقه قفقاز همچنان ادامه یافت، و بار دیگر در جریان جنگ جهانی دوم فرصت نقش آفرینی پیدا کرد. در این مرحله بود که باکو و رهبران آن نقش کارگزاری برای اندیشه های گسترش طلبانه شوروی را بازی کردند، و با آفرینش ماجرای جمهوریهای خود مختار آذربایجان و کردستان ایران درصدد تجزیه و الحاق این مناطق به خاک شوروی برآمدند. نوشته هایی که اخیرا براساس اسناد و خاطرات چهره های فعال در مجاری تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان و اعلام حکومت خودمختار در تبریز انتشار یافته است، به خوبی نشان می دهد که این ابتکارات، بخشی از برنامه های مشترک مسکو/ باکو برای تشکیل یک آذربایجان واحد و الحاق آن به شوروی بوده است. 28 پانترکیست وابسته به رژیم میرجعفر باقراف رهبر حزب کمونیست شوروی شاخه باکو، از همان آغاز اشغال آذربایجان ایران تا خروج نیروهای ارتش سرخ، به مدت 4 سال از طریق انتشار نشریات به شدت پانترکیستی « وطن یولندا»، « شفق» و « آذربایجان» برای رواج پانترکیسم در ایران فعالیت کردند.

حوادث بعدی، پس از خروج شوروی و فرار رهبران اصلی فرقه دمکرات به باکو، نشان داد که اینگونه تلاشها تاثیر چندانی در ایرانیان آذربایجانی به جای نگذاشته و هیچ خدشه ای به وفاداریهای ایرانی آنها وارد نیاورد. (29) نظریه پردازان و مورخان پانترکیست قفقاز، به همراه متحدان اندک ایرانی عضو فرقه دمکرات آذربایجان خود در فاصله سالهای 1979-1946، از طریق انتشار کتابها، نشریات، و برپایی نمایشهای هنری و تبلیغاتی رادیویی همچنان به تبلیغ اندیشه های پانترکیستی و آگرایانه علیه ایران ادامه می دادند. چهره های مارکسیست/ پانترکیست ایرانی که محصول سالهای اشغال چهار ساله آذربایجان ایران از سوی ارتش سرخ و رژیم پیشه وری بودند و برای تحصیل در موسسات آموزشی شوروی به باکو اعزام شده بودند و یا به همراه ارتش سرخ و رهبران فرقه دمکرات به آن سوی ارس گریخته بودند، از سالهای دهه 1960 به بعد فعالیت پانترکیستی خود جهت برانگیختن اندیشه های قومگرایانه در آذربایجان ایران را شروع کردند.

شاعران ایرانی الاصل نظیر بلاش آذر اوغلو، مدینه گلگون و حکیمه بلوری دوشادوش ادبا و شعرا پانترکیست باکو نظیر سلیمان رستم، میرزا ابراهیم اوف و دیگران در راه برانگیختن اندیشه های پانترکیستی در ایران و طرح آرمان وحدت آذربایجان ایران با «جمهوری آذربایجان» تلاش می کردند. (30) برخی از عناصر فرقه دمکرات نظیر علی پناهی، رئیس تامینه تبریز که پول های فراوانی را از تبریز ربوده و با خود به باکو برده بود و نیز محمد تقی زهتابی از شاخه جوانان فرقه دمکرات که در راستای فراهم سازی کادرهای آینده پانترکی برای ایران به باکو اعزام شده بود، تحت تاثیر نوشته های تاریخی بی سروت و غیر علمی پانترکی محافل استانبول / آنکارا / باکو به نوشتن آثار رمانتیک و باژگونه تاریخی پیرامون « ستارخان» 31 و « تاریخ باستانی ترکهای ایران» و سایر بحثها دست زدند، تا از طریق این نوع وارو سازبهای تاریخی و خلق تاریخی تخیلی کهن و باستانی ترکی برای آذربایجان ایران، این منطقه را دارای پیشینه ای هماهنگ و مشترک با ترکیه و سایر مناطق نشان داده و با زدودن هر گونه پیوند تاریخی این منطقه با ایران، و تاریخ و تمدن و فرهنگ ایرانی پایه های گفتمان وحدت ساز پانترکی را فراهم سازند. 32

انقلاب اسلامی ایران در 1357 / 1979 این فرصت را فراهم ساخت تا برخی از این عناصر، به ایران برگشته و با سایر همفکران موجود خود در ایران، فعالیتهای سیاسی را در راستای هویت سازی غیر ایرانی برای آذربایجان ایران شروع کنند. این محافل به انتشار نشریاتی همچون یولداش (به مدیریت ح.م. صدیق) و وارلیق (به مدیریت جواد هیات، حمید نطقی و حمید محمدزاده) دست زدند. برخی از این افراد نظیر صدیق و زهتابی که دارای گرایشات چپگرایانه پانترکی شدیدتری بودند، به دلیل فعالیتهای سیاسی و قومگرایانه تحت فشار قرار گرفتند و یا برای مدتی به زندان افتاده (مورد زهتابی در ایران) و از کشور خارج شدند. (مورد صدیق که در سالهای 1359 به بعد به ترکیه و به جمهوری آذربایجان رفت و با محافل پانترکی آن مناطق آشنا شد.) گرچه این افراد به لحاظ موضعگیری سیاسی دارای گرایشات چپ و لیبرال متفاوت بودند، اما در يك هدف اشتراك نظر داشتند و آن خلق هویت ترکی - و نه ایرانی - برای آذربایجان ایران و طرح - مستقیم و غیر مستقیم - اندیشه وحدت (بیرلیک) «دو آذربایجان» بود. محافل پانترکیستی باکو همچنان با انتشار نشریات و سازماندهی گردهمایی پانترکی، به ویژه پس از سالهای 1361، و سرکوب حزب توده به بعد، با حمایت اتحاد جماهیر شوروی به تبلیغات پانترکیستی علیه ایران ادامه می دادند. 33 این فعالیتهای در طول سالهای دهه 1980 ادامه پیدا کرد. اما به دلیل نامساعد بودن شرایط منطقه ای، جهانی و نیز فضای داخلی در ایران، نمود چندانی پیدا نمی کرد.

آنچه باعث امیدواری مجدد محافل پانترکی در جمهوری ترکیه، و جمهوری آذربایجان به افقهای آینده شد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود. نخبگان سیاسی در باکو به جای پیش گرفتن سیاستی معقول در قبال همسایگان خود و تلاش برای بازسازی بنیادهای اقتصادی - اجتماعی کشور، از همان آغاز مواضع خصمانه ای در قبال ایران گرفتند، و با طرح دعاوی کودکانه و مبتنی بر آرمانهای الحاقگرایانه پانترکی، بدبینی ایران را نسبت به مواضع خود برانگیختند. این بدبینی زمانی تشدید شد که جبهه خلق، به رهبری ابوالفضل ایلچی بیک ریاست جمهوری را به دست گرفت و به طور رسمی شعارهای قدیمی دهه های تحت تسلط شوروی را در رابطه با آذربایجان ایران مطرح ساخت. این نوع مواضع مبتنی بر دیدگاههای خصمانه و بی تجربگی سیاسی، و به راه انداختن تبلیغات ضد ایرانی در نشریات و رسانه های خبری باکو و نیز سازماندهی گروههای پانترکی از میان عناصر ناراضی ایرانی، نه تنها به تیرگی روابط تهران و باکو منجر شد، بلکه اتخاذ مواضع ناپهنگام در برابر ارمنستان باعث به راه انداختن جنگ خانمانسوزی در منطقه شد که اشغال سرزمینهای مسلمان نشین قره باغ از سوی ارمنستان را به دنبال آورد. در واقع میتوان گفت که «چپ روی های کودکانه» پانترکی جبهه خلق و مواضع نابخردانه و رمانتیک آن، علت اصلی تحولات فوق الذکر بوده است. 34 جمهوری آذربایجان از همان آغاز استقلال در 1991، نقش متحد استراتژیک ترکیه در منطقه را به عهده گرفت و با گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود با استانبول به شریک و همکار استراتژیک ترکیه در تدوین و به مرحله اجرا گذاشتن برنامه های پانترکی تبدیل شد. جبهه خلق با هر گونه انکار ارتباطات فرهنگی، مذهبی و تاریخی خود با حوزه تمدنی ایرانی، پانترکیسم را به ایدئولوژی رسمی دولت تبدیل کرد و به انجام اقداماتی نظیر تغییر الفبا به لاتین و اخذ برنامه ای تلویزیونی ترکیه و پذیرش پوشش رسانه ای آن، گامهای جدی نسبت به تقویت استراتژی پانترکی برداشت. گرچه شکست سیاستهای جبهه خلق و فرار ایلچی بیک از شدت موضع گیریهای پانترکی باکو نسبت به ایران کاست، اما تداوم موضع خصمانه نشریات پانترکی جمهوری آذربایجان (نظیر، ینی مساوات، زکالو، آزادلیق و ...) علیه ایران، سازماندهی محافل پانترکی و حمایت از آنها در دوران حیدرعلی اف و همسویی هرچه بیشتر باکو با استانبول در چارچوب استراتژی پانترکیسم، جمهوری آذربایجان را به کارگزار دولت ترکیه تبدیل کرده است. باز شدن فضای سیاسی در ایران از سال 1376 به بعد، فرصت تازه ای به جریان منطقه ای پانترکیسم داد تا با بهره برداری از موقعیت ایجاد شده، تبلیغات پانترکی و سازماندهی جریانهای طرفدار این ایدئولوژی در ایران را آغاز کند. تشدید بحران سیاسی میان جناحهای محافظه کار و اصلاح طلب در ایران، مشغول بودن نیروهای سیاسی در این جنگ قدرت، خلایق ایجاد کرد که برای جریان پانترکی تحت حمایت جمهوری آذربایجان و ترکیه فرصت مناسب محسوب میشد.

به همین دلیل بود که از سال 1377 به بعد نشریات محلی با رنگ و بو و موضع گیری آشکار پانترکیستی، گفتمانهای تاریخی، فرهنگی و سیاسی رایج در میان محافل پانترکی باکو و استانبول و آنکارا را به درون ایران کشاندند، و با سازماندهی محافل دانشجویی در جهت ترویج اندیشه پانترکیسم در میان آذربایجانیهای ایران دست زدند. هدف از همه این اقدامات، بسیج قومی ترک زبانان ایران، فراهم ساختن زمینه کشمکش قومی میان ترک و فارس و ایجاد شکافهای قومی و سیاسی در ایران و ترویج نوعی هویت ضد ایرانی بوده است. جریانهای پانترکی در باکو و استانبول که در حال حاضر از حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولتهای جمهوری آذربایجان و ترکیه برخوردارند، به شیوه های گوناگون، استراتژی « ختنه» را در ایران دنبال میکنند. این استراتژی هم از سوی محافل رسمی پانترکی در باکو و استانبول / آنکارا، که به طور غیر مستقیم از حمایت گسترده دولتهای این دو کشور برخوردارند دنبال میشود، و هم در سطحی داخلی از سوی محافل کوچک اما فعال پانترکی موجود در ایران که در عرصه رسانهای و تشکیلاتی به فعالیت شدید برای زمینه سازی لازم جهت اجرای تدریجی استراتژی « پانترکی» در مناطق آذری زبان ایران مشغول بوده و از حمایت جریانهای پانترکی مستقر در جمهوری آذربایجان و ترکیه برخوردار هستند. انعکاس مداوم دیدگاههای چهره های پانترکیست ایرانی در مطبوعات باکو و آنکارا، بزرگنمایی این چهرهها و محافل کوچک پانترکی ایران در جایگاه های اینترنتی پانترکیستهای وابسته به جمهوری آذربایجان و ترکیه، و تبلیغ نشریات پانترکی محلی ایران و نشریات پانترکی دانشجویی دانشگاههای ایران در کنار نشریات پانترکی مشهوری چون ینی مساوات، آزادلیق، ... در این جایگاه های اینترنتی، همه از ارتباط سازمانی جریان پانترکیستی آران با تشکیلات جهانی پانترکیستی حکایت می کند. پایان پیام.